

Changing Gender Attitude of Next Generation to Achieve Sustainable Peace

Gender Attitude of The Next Generation

Simin Hajipour Sardue^{*}, Marzieh Hajipour Sardue^{}**

Abstract

Gender inequality is a global phenomenon that is inextricably linked with gender discrimination and violence. Culture tries to justify and normalize gender inequality and violence by using traditional gender beliefs, practices, norms and stereotypes. Since gender norms are formed during childhood and adolescence, programs, lessons and materials provided through schools offer an opportunity to influence people's gender attitudes and these attitudes are institutionalized in people over the years. Therefore, proper education and socialization in schools can challenge the stereotypes that give men power and the possibility of exercising this undue power, to eliminate and eradicate unfavorable gender norms and attitudes before they are institutionalized in the mental and behavioral structure of children and adolescents in order to prevent their violence against women in their adult years. In this research, data was obtained by using a questionnaire about the attitude of 1752 sixth grade male students and their fathers towards different gender roles and stereotypes, violence against women and gender inequality in different fields. The results showed that the attitude of teenagers has changed in supporting traditional patriarchal gender beliefs, prejudices and norms compared to their fathers, and they have a greater desire for gender equality, removing dysfunctional gender stereotypes and

^{*} Assistant Professor, Political Sciences Department, Law and Political Sciences Faculty, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author), s_binesh@yahoo.com

^{**} Editor in Chief / IRIB. hajipour.sm@gmail.com

Date received: 2022/07/31, Date of acceptance: 2022/09/13



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

experiencing sustainable peace in their new lifestyle. This research concludes that some traditions, norms and stereotypes must have an expiration date and cultural DNA, just like the DNA of people, changes with each generation.

Keywords: Sustainable Peace, Gender Inequality, Gender Violence, Traditional Stereotypes, Socialization



تغییر نگرش جنسیتی نسل آینده در راستای دستیابی به صلح پایدار

نگرش جنسیتی نسل آینده

سیمین حاجی پور ساردویی*

مرضیه حاجی پور ساردویی**

چکیده

نابرابری جنسیتی، پدیده‌ای جهانی است که با تبعیض و خشونت‌های جنسیتی پیوندی ناگسستنی دارد. فرهنگ با استفاده از اعتقادات، شیوه‌ها، هنجارها و کلیشه‌های سنتی جنسیتی تلاش می‌کند نابرابری و خشونت جنسیتی را توجیه‌پذیر و عادی جلوه دهد. از آنجا که هنجارهای جنسیتی در دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرند، برنامه‌ها، دروس و مطالبی که از طریق مدارس ارائه می‌شوند، فرصتی برای تأثیرگذاری بر نگرش‌های جنسیتی افراد فراهم می‌کنند و این نگرش‌ها با گذر سال‌های زندگی در افراد نهادینه می‌شوند.

از این رو، آموزش و جامعه‌پذیری مطلوب در مدارس می‌تواند با به چالش کشیدن کلیشه‌هایی که به مردان قدرت و امکان اعمال قدرت نابجا را می‌دهد، برای حذف و ریشه‌کنی هنجارها و نگرش‌های نامطلوب جنسیتی پیش از نهادینه شدن در ساختار ذهنی و رفتاری کودکان و نوجوانان اقدام کرده، از خشونت آنها علیه زنان در سال‌های بزرگسالی

* استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.
(نویسنده مسئول)، s_binesh@yahoo.com

** سردبیر خبر / سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، hajipour.sm@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

جلوگیری کند. در این پژوهش داده‌ها با استفاده از یک پرسشنامه پیرامون مطالعه نگرش ۱۷۵۲ دانش‌آموز پسر پایه ششم و پدران آنها نسبت به نقش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی مختلف، خشونت علیه زنان و نابرابری جنسیتی در عرصه‌های مختلف به دست آمد. نتایج نشان داد که نگرش نوجوانان در حمایت از عقاید، تعصبات و هنجارهای سنتی جنسیتی مردسالار نسبت به پدران خود تغییر کرده است و تمایل بیشتری به برابری جنسیتی، حذف کلیشه‌های جنسیتی کژکارکرد و تجربه صلح پایدار در سبک جدید زندگی خود دارند. این پژوهش نتیجه می‌گیرد برخی سنت‌ها، هنجارها و کلیشه‌ها باید تاریخ انقضا داشته باشند و DNA فرهنگی، درست به مثابه DNA افراد، با هر نسل تغییر کند.

کلیدواژه‌ها: صلح پایدار؛ نابرابری جنسیتی؛ خشونت جنسیتی؛ کلیشه‌های سنتی؛ جامعه‌پذیری

۱. مقدمه

بزه‌دیدگی و قربانی شدن زنان و دختران یک اپیدمی جهانی است که با نگرش‌های جنسیتی مردسالار همراه و ملازم بوده است. خشونت علیه زنان، به میزان قابل توجه، به دلیل هنجارهای جنسیتی در سطوح خانوادگی و اجتماعی رخ می‌دهد و ادامه می‌یابد. هنجارها و ارزش‌های جنسیتی مردسالار، وضعیت و شرایط نامناسب دختران و زنان را در جامعه تقویت و پایدار کرده، احتمال اعمال خشونت علیه دختران و زنان از سوی مردان و پسران را افزایش می‌دهد. مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد نگرش‌ها و نقش‌های جنسیتی معمولاً در دوران کودکی آموخته می‌شوند و هنجارهای گروه‌های همسال درباره رفتارهای مردانه و زنانه قابل قبول و ارزش‌های جنسیتی، به همان شدت الگوی نقش پذیرفته شده در خانواده‌های ذره‌ای در خودانگاره و خودپنداره افراد ثبت و ضبط می‌شوند (Crepes، ۲۰۰۳). همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که نابرابری جنسیتی و آموزش اطاعت و فرمانبرداری به دختران، زنان بزرگسال را در معرض خطر خشونت بیشتری از سوی شریک زندگی قرار می‌دهد (Butchart، ۲۰۱۶). اگر نگرش‌های نابرابری جنسیتی حفظ شود و نقش‌هایی در دوران نوجوانی تحمیل یا پذیرفته شوند، زنان بزرگسال بیشتر در معرض خشونت پدر یا همسر خود قرار دارند. طبق بررسی سیستماتیک کاگستن (Kagesten) پیرامون ادبیات مربوط به عوامل شکل‌دهنده نگرش‌های جنسیتی در اوایل نوجوانی در محیط‌های مختلف

تغییر نگرش جنسیتی نسل آینده در ... (سیمین حاجی‌پور و مرضیه حاجی‌پور) ۷۵

فرهنگی، ۸۲ مقاله یافت شد که ۹۰ درصد از این مقالات از آمریکای شمالی و اروپای غربی بودند (Kagesten, ۲۰۱۶).

بررسی این مقالات نشان داد که نوجوانان معمولاً نگرش‌های نابرابری جنسیتی را ابراز می‌کنند، اما میزان این نگرش‌ها متناسب با برخی ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی متفاوت است. به علاوه، مشخص شد که تأثیرات گروه‌های مرجع بر زندگی نوجوانان از جمله خانواده و همسالان در ساخت نگرش‌های جنسیتی نوجوانان نقش اساسی دارد. در ضمن، فرایندهای جامعه‌پذیری جنسیتی برای دختران و پسران متفاوت است (Kagesten, ۲۰۱۶).

متأسفانه نابرابری جنسیتی به دلیل رواج سنت‌های فرهنگی مبتنی بر برتری مردان در ایران رایج است. جامعه نیز با همراهی بخشی از قوانین پیدا و پنهان و در برخی موارد عدم اجرای صحیح قوانینی که بر برابری جنسیتی تصریح دارند، این نابرابری جنسیتی را تقویت می‌کند. در بسیاری از خانواده‌ها، دختران جوان برای تحمل و پذیرش خشونت از سوی پدر، برادر، همسر و حتی گاهی پسران آینده خود تربیت می‌شوند. علاوه بر این، از تفسیر نادرست از دین اغلب برای توجیه خشونت مردسالارانه استفاده می‌شود. هنجارهای جنسیتی مردسالار و نابرابری جنسیتی منجر به نرخ بالای خشونت خانگی شده است؛ به گونه‌ای که ۷۰ درصد از زنان در طول زندگی خود با خشونت روبه‌رو می‌شوند. بر اساس آمار رسمی، در کشور ۱۷ درصد کودک همسری داریم - که نوعی خشونت خانگی است - و ۷۵ تا ۹۸ درصد خشونت خیابانی وجود دارد (اعزازی، ۱۳۹۹). هنوز در جامعه ایران، شاهد خشونت‌های بسیار در عرصه عمومی و خصوصی علیه زنان از قتل‌های ناموسی تا عدم اجازه برای شرکت در انتخابات به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری، از خشونت کلامی تا خشونت خیابانی را شاهد هستیم و روزانه با افرادی مواجه می‌شویم که اعمال خشونت علیه زنان و دختران را بدون آگاهی، موجه دانسته، حیات در صلح مثبت و پایدار را برای آنها به مخاطره می‌اندازند. اما، آیا این نگرش‌ها در نسل آینده در حال تغییر است؟ و آیا ما برای رسیدن به حدی از تغییر نگرش که برای پایان دادن به خشونت علیه زنان و کودکان لازم است، هنوز راهی طولانی در پیش داریم؟ واضح است که هنجارهای اجتماعی و فرهنگی بسته به کارکرد خود می‌توانند فضایی را ایجاد کنند که در آن خشونت علیه دختران و زنان تشویق و عادی یا محکوم و منفور باشد.

گزارش سازمان بهداشت جهانی (WHO) در مورد پیشگیری از خشونت نسبت به زنان خواستار ارائه راهکارهایی برای تقویت هنجارها و ارزش‌هایی است که از روابط برابر غیرخشونت‌آمیز، محترمانه، پرورش‌یافته و مثبت جنسیتی بین کودکان و نوجوانان حمایت می‌کند (Butchart، ۲۰۱۶). از این رو، برای اصلاح هنجارها و رفتارهای کاملاً ریشه‌دار جامعه‌ی و فرهنگی به استراتژی‌ها و راهکارهایی نیاز است. بویژه باید این ذهنیت اصلاح شود که «اعمال برخی خشونت‌ها، مانند خشونت کلامی، ضرب و شتم و حتی قتل دختران و زنان از سوی پدر یا همسر عادی و موجه است».

هنوز سرنوشت واقعی زنان و دختران ایرانی در عرصه عمومی و خصوصی مشخص نیست. آیا حیات واقعی و انسانی و رعایت عدالت در مورد زنان به منظور زندگی در صلح با تصمیمات پیشگامانه، حمایت‌های رهبری و تغییر نگرش و فرهنگ پسران و مردان ایرانی و رفع هنجارها، سنت‌ها و کلیشه‌های کژکارکرد دست‌یافتنی است؟

برای درک و فهم عوامل تأثیرگذار بر جلوگیری از خشونت در نسل جوان و تفاوت‌ها یا شباهت‌های موجود میان دو نسل پیاپی، این پژوهش به مطالعه نگرش ۱۷۵۲ دانش‌آموز پسر پایه ششم و پدران آنها نسبت به نقش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی مختلف، خشونت علیه زنان و نابرابری جنسیتی در عرصه‌های مختلف با استفاده از یک پرسشنامه پرداخت.

الگویی که این تجزیه و تحلیل را هدایت کرد از این فرض شروع می‌شود که نگرش‌های جنسیتی پسران احتمالاً تحت تأثیر عواملی در بستر اکولوژیک زندگی آنها قرار دارد. این عوامل شامل عوامل اجتماعی - جمعیتی و نگرش‌های جنسیتی در خانه (بیان شده از طریق استفاده پدر از خشونت در خانه) و نگرش‌های جنسیتی همسالان و سایر عوامل مدرسه - حتی مطالب درسی - است.

۲. چارچوب نظری

جنگ و خشونت به طور حتم منجر به نقض حقوق بشر می‌شود و فرهنگ‌سازی برای حقوق بشر شرط دستیابی یک کشور به صلح است. با این وجود، ایجاد و حفظ فرهنگ صلح یک چالش بزرگ و مشترک برای نوع بشر است؛ به گونه‌ای که کشورها هم از منظر صلح منفی به معنا و مفهوم عدم وجود درگیری‌های خشونت‌آمیز و جنگ میان کشورها یا درون کشورها و هم از منظر صلح مثبت در معنای ایجابی خود، وجود عدالت، برابری و

توسعه، با چالشی بزرگ روبه‌رو هستند. عدم وجود جنگ به خودی خود صلح را تضمین نمی‌کند و صلح منفی بدون صلح مثبت، صلحی پایدار نیست. به عبارت دیگر، صلح در معنا و مفهوم واقعی خود تنها با صلح منفی قابل تعریف نیست.

مفهوم صلح با شرایط بیرونی و درونی هر انسانی ارتباط دارد و باید تعادل کامل میان دو بخش زندگی برقرار باشد. بنابراین، صلح به عنوان فرآیندهای داخلی و خارجی شناخته می‌شود که بر ما و زندگی ما تأثیر می‌گذارد.

در این میان، یکی از گسترده‌ترین موارد نقض حقوق بشر در جهان و از بزرگ‌ترین تهدیدهای صلح پایدار، خشونت علیه زنان و دختران است. اما خشونت یک مفهوم پیچیده است که می‌تواند منجر به آسیب جسمی، روحی یا روانی تا حتی نقص عضو و مرگ شود. بنابراین، خشونت می‌تواند مستقیم از نوع خشونت فیزیکی یا رفتاری باشد یا ساختاری مانند فقر و محرومیت از منابع و دسترسی به حقوق باشد یا فرهنگی مانند کاهش ارزش و تخریب هویت‌های انسانی، سبک و شیوه زندگی تا خشونت‌گرایی را شامل شود.

باندورا در دهه ۱۹۹۰ مطرح کرد که فرزندان از طریق والدین خود خشونت را می‌آموزند. مشاهده و تجربه بدرفتاری از ناحیه والدین در دوران کودکی منجر به یادگیری رفتار سلطه‌آمیز بوسیله مرد و آموختن تحمل توسط زن می‌شود (فوروارد، ۱۳۷۷: ۱۷۷). از این رو، مرتن جامعه‌پذیری را فرآیندی تعریف کرد که افراد ارزش‌ها، هنجارها، دانش و مهارت لازم را برای زیست در یک اجتماع به دست می‌آورند (Bircher، ۲۰۱۲).

بر اساس نظریه جامعه‌پذیری جنسیت، فرآیند جامعه‌پذیری گرایش‌ها و هویت جنسیتی را در خانواده درونی کرده، آن را به فرزندان انتقال می‌دهد و باعث دائمی شدن سلطه مرد و مطیع بودن زن می‌شود؛ چرا که معمولاً از زنان تصویر آرام، مطیع، منفعل، عاطفی و وابسته و از مردان تصویری مستقل، استوار، شایسته، توانا و مصمم ترسیم می‌کنند و در چنین شرایطی زنان نقش جنسیتی سنتی مطیع بودن و در مقابل مردان نقش سلطه‌گری مردانه را می‌پذیرند (شفر، ۱۹۹۲: ۹۸ و ۳۲۷).

۳. روش‌شناسی

این مقاله بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های اولیه جمع‌آوری شده با استفاده از روش گردآوری تصادفی خوشه‌ای انجام گرفته است. در این مطالعه نگرش پسران (پایه ششم) و

پدران آنها نسبت به انواع خشونت‌های کلامی و جسمی سنجیده و برای بررسی این نگرش از روش پیمایشی و نظرسنجی و ابزار پرسشنامه استفاده شد.

۴. متغیرهای مورد بررسی

در این پژوهش نگرش‌های جنسیتی در ۱۲ مورد میان دو نسل پدر و پسر اندازه‌گیری شد که توافق یا عدم توافق را در مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای (از کاملاً موافقم = ۱، موافقم = ۲، مخالفم = ۳ و کاملاً مخالفم = ۴) ارزیابی می‌کند. موارد مورد بررسی شامل بررسی نگرش‌های جنسیتی در دو گروه پدران و پسران در مواردی مانند حق تحصیل زن، پذیرش نظر زن در پرورش فرزندان، پذیرش نظر زن در امور اقتصادی خانواده، حضور آزادانه زن در اجتماع، حضور زن در عرصه اقتصاد با یا بدون نیاز مالی خانواده، حضور آزادانه زن در مراکز مذهبی، کنترل و نظارت تمام و کمال مرد بر زن، رفتار محبت‌آمیز مرد نسبت به همسر، حق مرد در مجازات همسر، اطاعت بی‌چون و چرای زن از دستورات همسر، مشارکت زن در رویدادهای سیاسی و پذیرش زن به عنوان مدیر بالادست است (موارد مورد بررسی در جدول شماره ۱ آورده شده است). در این مقیاس، مقادیر بالاتر نشان‌دهنده اختلاف نظر بیشتر با ابعاد و جنبه‌های مختلف استقلال، آزادی و مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف است که ما اصطلاحاً آن را نگرش‌های جنسیتی مردسالار می‌نامیم. ضریب آلفای این متغیر ۰.۷۶۳ (برای پسران) و ۰.۸۲۱ (برای پدران) بود.

جدول شماره ۱ - نگرش جنسیتی بر اساس نسل

p-value	پسران		پدران		موارد
	%	n	%	n	
< ۰.۰۰۱	۸۱.۲	۷۵۵	۷۱.۷	۵۸۹	کاملاً موافق
	۱۶.۶	۷۵۴	۱۹.۳	۱۵۹	موافق
	۲.۳	۲۱	۹.۰	۷۴	مخالف/کاملاً مخالف
< ۰.۰۰۱	۷۲.۹	۶۷۸	۶۳.۱	۵۱۹	کاملاً موافق
	۱۸.۷	۱۷۴	۲۰.۱	۱۶۵	موافق
	۸.۴	۷۸	۱۶.۸	۱۳۸	مخالف/کاملاً مخالف
۰.۰۰۱	۷۷.۵	۷۲۱	۷۲.۱	۵۹۳	کاملاً موافق
	۱۹.۰	۱۷۷	۱۹.۰	۱۵۶	موافق
	۳.۴	۳۲	۸.۹	۷۳	مخالف/کاملاً مخالف

تغییر نگرش جنسیتی نسل آینده در ... (سیمین حاجی پور و مرضیه حاجی پور) ۷۹

۰.۰۲۴	۷۲.۲ ۱۹.۰ ۸.۸	۶۷۱ ۱۷۷ ۸۲	۶۵.۲ ۲۴.۱ ۱۰.۷	۵۳۶ ۱۹۸ ۸۸	کاملاً موافق موافق مخالف/کاملاً مخالف	پذیرش نظر زن در امور اقتصادی خانواده
۰.۱۳۹	۶۳.۰ ۱۹.۸ ۱۷.۲	۵۸۶ ۱۸۴ ۱۶۰	۶۰.۱ ۲۳.۵ ۱۶.۴	۴۹۴ ۱۹۳ ۱۳۵	کاملاً موافق موافق مخالف/کاملاً مخالف	حضور آزادانه زن در مراکز مذهبی
۰.۰۰۳	۷۶.۳ ۱۹.۶ ۴.۱	۷۱۰ ۱۸۲ ۳۸	۷۱.۴ ۲۱.۰ ۷.۵	۵۸۷ ۱۷۳ ۶۲	کاملاً موافق موافق مخالف/کاملاً مخالف	کنترل و نظارت کامل مرد بر زن
۰.۰۲۶	۸۲.۳ ۱۵.۱ ۲.۷	۷۶۵ ۱۴۰ ۲۵	۷۷.۳ ۱۷.۴ ۵.۴	۶۳۵ ۱۴۳ ۴۴	کاملاً موافق موافق مخالف/کاملاً مخالف	رفتار محبت آمیز مرد نسبت به زن
۰.۰۰۱	۸۰.۲ ۱۵.۹ ۳.۹	۷۴۶ ۱۴۸ ۳۶	۷۲.۱ ۲۰.۴ ۷.۴	۵۹۳ ۱۶۸ ۶۱	کاملاً موافق موافق مخالف/کاملاً مخالف	اطاعت بی چون و چرای زن از مرد
< ۰.۰۰۱	۷۳.۳ ۲۲.۶ ۴.۱	۶۸۰ ۲۱۰ ۳۸	۶۸.۶ ۲۲.۲ ۹.۳	۵۶۳ ۱۸۲ ۷۶	کاملاً موافق موافق مخالف/کاملاً مخالف	حضور آزادانه زن در اجتماع
< ۰.۰۰۱	۷۰.۸ ۲۳.۱ ۶.۱	۶۵۶ ۲۱۴ ۵۷	۶۲.۵ ۲۶.۳ ۱۱.۲	۵۱۱ ۲۱۵ ۹۲	کاملاً موافق موافق مخالف/کاملاً مخالف	حضور آزادانه زن در عرصه اقتصاد
< ۰.۰۰۱	۷۵.۸ ۱۸.۶ ۵.۶	۷۰۳ ۱۷۲ ۵۲	۶۳.۵ ۲۲.۸ ۱۳.۷	۵۲۱ ۱۸۷ ۱۱۲	کاملاً موافق موافق مخالف/کاملاً مخالف	حضور آزادانه زن در عرصه سیاست
< ۰.۰۰۱	۵۶.۶ ۲۰ ۲۳.۴	۵۲۶ ۱۸۶ ۲۱۸	۳۹.۷ ۲۰ ۴۰.۳	۳۲۵ ۱۶۴ ۳۳۰	کاملاً موافق موافق مخالف/کاملاً مخالف	پذیرش زن به عنوان مدیر بالادست

در این پژوهش، نظر پدران و پسران پیرامون اعمال خشونت کلامی و خشونت فیزیکی پرسیده شد. از پاسخ دهندگان سؤال شد طی چهار هفته گذشته چند بار (هرگز، یک بار، چند بار (۲-۳) یا ۴ بار یا بیشتر) مرتکب هر یک از خشونت‌ها شده‌اند. ضریب آلفای این متغیر ۰.۸۶۲ (پدران) و ۰.۵۶۱ (پسران) بود. ارتکاب خشونت به گونه‌ای اندازه‌گیری شد که تصویری واقعی و آینه‌ای ارائه داده شود.

به منظور ارائه شاخص‌های هنجارهای جنسیتی و اعمال خشونت در خانه، در مورد خشونت اعمال شده علیه مادر و خواهر کودک در چهار هفته گذشته (پسران) و اعمال خشونت از سوی پدر در دوران کودکی (پدران) سؤال کردیم. پرسش‌ها شامل دیدن یا

شنیدن سیلی و کتک خوردن مادر و خواهر از سوی پدر و شدت آسیب وارد شده بود. این موارد در مقیاس چهار درجه‌ای (۰ = هرگز، ۱ = یک بار، ۲ = چند بار، ۳ = چندین بار) اندازه‌گیری شد که بعداً به موارد دوقطبی تبدیل شد. همچنین در مورد اینکه آیا کودک در چهار هفته گذشته درگیری فیزیکی پدر با سایر مردان را دیده یا شنیده یا پدران در دوران کودکی درگیری فیزیکی پدر را با سایر مردان دیده یا شنیده‌اند، سؤال شد.

نگرش پدران و پسران پیرامون «ارتباط زنان، دختران و خواهران با افراد نامحرم» نیز با پرسش‌هایی سنجیده شد: «صحبت دختر یا خواهر با نامحرم» و «رفت و آمد دختر یا خواهر با نامحرم» و میزان خشونت یا تنبیه لازم برای این ارتباط شامل «هرگز» (پدران = ۱۷ درصد؛ پسران = ۵۱ درصد)، «تذکر کلامی» (پدران = ۴۳ درصد؛ پسران = ۳۳ درصد)، «تنبیه فیزیکی» (پدران = ۳۲ درصد؛ پسران = ۱۴ درصد) و «در صورت تکرار و بالا گرفتن ارتباط، کشتن دختر یا خواهر» (پدران = ۸ درصد؛ پسران = ۲ درصد) بود.

جدول شماره ۲ - آمار توصیفی اعمال خشونت علیه زنان بر اساس نسل

p-value	پسران		پدران		عامل
	SD	Mean	SD	Mean	
< ۰.۰۰۱	۲۰.۹	۱۹۴	۶.۷	۵۵	اعمال خشونت در ۴ هفته گذشته
	۲۸.۵	۲۶۵	۱۷.۸	۱۴۶	هرگز
	۱۳.۴	۱۷۵	۲۵.۷	۲۴۴	یک بار
	۷.۲	۲۹۶	۴۹.۸	۳۷۷	۲-۳ بار
					۴ بار یا بیشتر
< ۰.۰۰۱	۳۷.۱	۳۴۵	۶۰.۳	۴۹۵	نوع اعمال خشونت
	۱۴.۲	۱۳۰	۲۴.۵	۱۹۵	شنیدن خشونت کلامی
۰.۰۰۵	۱۴.۲	۱۳۰	۲۴.۵	۱۹۵	شنیدن اعمال خشونت فیزیکی
< ۰.۰۰۱	۱.۶	۱۵	۷.۷	۶۱	دیدن خشونت فیزیکی
۰.۰۰۲	۱۷.۹	۱۶۶	۲۵.۷	۲۱۱	درگیری فیزیکی پدر با سایر مردان
۰.۰۱۶	۹.۷	۸۰	۶	۵۶	میزان ارتباط زنان با نامحرم
	۰.۳۹۶	۴.۶	۳۸	۳.۹	صحبت با افراد نامحرم رفت و آمد با افراد نامحرم

جدول شماره ۳ - تحلیل دو متغیره نگرش جنسیتی نسبت به اعمال خشونت علیه زنان بر اساس نسل

پسران		پدران		عامل
p-value	Coef.	p-value	Coef.	
				اعمال خشونت در ۴ هفته گذشته
۰.۰۸۷	۰.۷۳	۰.۰۰۲	۲.۲۳	هرگز
< ۰.۰۰۱	۱.۸۹	< ۰.۰۰۱	۳.۳۳	یک بار
< ۰.۰۰۱	۲.۱۱	< ۰.۰۰۱	۴.۱۳	۲-۳ بار
				۴ بار یا بیشتر
				نوع اعمال خشونت
< ۰.۰۰۱	۱.۲۶	۰.۰۰۱	۱.۱۲	شنیدن خشونت کلامی
۰.۹۸۷	۰.۰۱	۰.۸۰۰	-۰.۱۰	شنیدن اعمال خشونت فیزیکی
۰.۵۰۶	۰.۷۸	۰.۶۹۰	-۰.۲۵	دیدن خشونت فیزیکی
۰.۶۷۴	۰.۱۶	۰.۰۱۵	۰.۹۰	درگیری فیزیکی پدر با سایر مردان
				میزان ارتباط زنان با نامحرم
۰.۰۲۶	۱.۲۳	۰.۰۹۸	۰.۹۲	صحبت با افراد نامحرم
۰.۲۶۰	۰.۸۶	۰.۰۰۳	۲.۲۹	رفت و آمد با افراد نامحرم

یکی دیگر از شاخص‌های مورد بررسی «گرسنگی» بود که از سه جنبه اهمیت داشت: اول، به دلیل حساسیت مردان نسبت به گرسنگی که سطح تحمل آنها را پایین می‌آورد و دوم، به دلیل بررسی نگرش آنها نسبت به نقش مادر و خواهر برای تأمین غذا و سوم، به منظور بررسی نقش فقر در اعمال خشونت این شاخص مورد بررسی قرار گرفت. از این رو، پرسیده شد در چهار هفته گذشته چند بار بدون صبحانه به مدرسه / سر کار رفته‌اند و به دلیل نبود غذا در خانه، چند بار بدون شام خوابیده‌اند. شاخص گرسنگی با دسته‌های پاسخ چهار درجه‌ای لیکرت از «هرگز» تا «تمام یا بیشتر روزها» اندازه‌گیری شد. شاخص تأمین غذا با استفاده از دو پرسش دیگر نیز مورد بررسی قرار گرفت که در آن پرسیده شده بود نظر آنها در مورد این گزاره‌ها چیست: «خواهران و مادران مسئول تهیه غذا در خانه هستند» (پدران = ۹۷ درصد؛ پسران = ۷۵ درصد) و «اگر غذا در خانه به موقع حاضر نباشد، می‌توان با خواهر یا مادر با خشونت برخورد کرد» ((پدران = ۶۷ درصد؛ پسران = ۵۱ درصد)).

جدول شماره ۴ - آمار توصیفی شاخص گرسنگی بر اساس نسل

p-value	پسران		پدران		عامل
	SD	Mean	SD	Mean	
۰.۰۱۶	۰.۹۷	۰.۴۸	۱.۰۹	۰.۶۵	شاخص گرسنگی
۰.۰۰۱	۴.۱۷	۴.۰۷	۲.۸۵	۳.۱۴	گرسنگی در چهار هفته گذشته هرگز
۰.۰۶۵	۱.۸۱	۹.۲۷	۱.۷۷	۹.۵۵	۱-۵ روز
۰.۰۰۱	۱.۱۱	۵.۳۵	۱.۳۸	۱۲.۷	۱۰-۶ روز
۰.۰۰۱	۰.۸۵	۲.۵۷	۱.۴۷	۷.۶۳	تمام یا بیشتر روزها

جدول شماره ۵ - تحلیل دو متغیره تأثیر عامل گرسنگی بر اعمال خشونت علیه زنان بر اساس نسل

پسران		پدران		عامل
p-value	Coef.	p-value	Coef.	
< ۰.۰۰۱	۰.۶۴	< ۰.۰۰۱	۰.۶۸	شاخص گرسنگی
۰.۱۷۴	۰.۵۷	۰.۰۰۳	۲.۱۶	گرسنگی در چهار هفته گذشته هرگز
< ۰.۰۰۱	۱.۴۴	< ۰.۰۰۱	۲.۸۸	۱-۵ روز
۰.۰۴۷	۰.۰۴	۰.۰۳۹	۱.۳۶	۱۰-۶ روز
				تمام یا بیشتر روزها

نظر پدران و پسران در مورد کودک همسری با سه پرسش مورد بررسی قرار گرفت. آیا با ازدواج دختران در سنین پایین موافق هستند، آیا در خانواده ازدواج دختر خردسال داشته‌اند و سن مناسب برای ازدواج دختران (شامل کمتر از ۹ سال، بین ۹-۱۳ سال، بین ۱۳-۱۸ سال و بالاتر از ۱۸ سال) از پرسش‌هایی بودند که در نظرسنجی مطرح شدند.

جدول شماره ۶ - آمار توصیفی کودک همسری بر اساس نسل

p-value	پسران		پدران		عامل
	SD	Mean	SD	Mean	
۰.۰۱۲	۲.۷	۲۵	۶.۳	۵۲	کودک همسری
۰.۰۱۸	۲.۳	۹	۲.۵	۲۳	کودک همسری در خانواده

تغییر نگرش جنسیتی نسل آینده در ... (سیمین حاجی پور و مرضیه حاجی پور) ۸۳

جدول شماره ۷ - تحلیل دو متغیره نگرش نسبت به کودک همسری بر اساس نسل

پسران		پدران		عامل
p-value	Coef.	p-value	Coef.	
۰.۸۸۵	۰.۱۳	۰.۰۲۷	۱.۴۸	کودک همسری
۰.۵۳۴	-۰.۷۱	۰.۵۷۶	۰.۵۵	کودک همسری در خانواده

۵. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در تجزیه و تحلیل داده‌ها طرح مطالعه یک طرح کنترل تصادفی خوشه‌ای است. تمام متغیرهای بالقوه نگرش‌های جنسیتی بر اساس نسل شرکت‌کنندگان طبقه‌بندی و بر اساس فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار مورد بررسی قرار گرفتند. سپس برای مقایسه نگرش‌های جنسیتی میان پدران و پسران از آزمون مجذور کای و آزمون χ^2 استفاده شد.

۶. نتایج

میانگین سنی پسران ۱۲.۵، (با انحراف معیار ۱.۵) و میانگین سنی پدران ۴۲ سال (با انحراف معیار ۱۳.۸) بود. پدران در مقایسه با پسران در دوران کودکی سطح گرسنگی بیشتری را تجربه کرده بودند. این میانگین برای پدران ۰.۶۵ (با انحراف معیار ۱.۰۹) و برای پسران ۰.۴۸ (با انحراف معیار ۰.۹۷) بود. نسبت پدرانی که در دوران کودکی همیشه قبل از مدرسه صبحانه نخورده بودند، زیرا در خانه غذایی نداشتند، ۲۴ درصد بود، در حالی که این میزان برای پسران ۱۸ درصد بود.

نظر موافق برای اعمال خشونت (در حالت کلی) علیه زنان در پسران ۱۷.۸ درصد و در پدران ۲۸.۵ درصد بود. علاوه بر این، ۷۵.۵ درصد از پدران در دوران کودکی شاهد اعمال خشونت از سوی پدر در خانه بودند، در حالی که این میزان در مورد پسران به ۵۰.۶ درصد می‌رسید. نسبت پدران و پسرانی که در چهار هفته قبل در خانه تنبیه فیزیکی یا کلامی را علیه زنان خانواده اعمال کرده بودند به ترتیب ۶۰.۳ درصد و ۳۷.۱ درصد بود.

نظر مشارکت‌کنندگان در مورد کودک همسری با پرسش‌هایی پرسیده شد. بخش کمی از پسران با ازدواج در سنین کودکی برای دختران موافق بودند (۹.۱ درصد)، در حالی که این میزان در مورد پدران بسیار بیشتر بود (۲۳.۳ درصد). اعتقاد به کودک همسری و ازدواج

دختران در خردسالی به طور معنی داری با نگرش‌های جنسیتی مردسالار ارتباط داشت. پسران نسبت به پدران مخالفت بیشتری با کودک همسری دختران ابراز کرده‌اند. متوسط سن مناسب برای ازدواج دختران از سوی پدران ۱۴ تا ۱۶ سال و از سوی پسران ۱۸ تا ۲۰ سال گزارش شد.

فراوانی‌ها و درصد‌های متغیرهای اندازه‌گیری شده برای نگرش‌های جنسیتی، بر اساس نسل در جدول شماره ۱ آورده شده است. جهت امتیازدهی به گونه‌ای است که مقادیر بالاتر بیانگر نگرش جنسیتی مردسالارانه‌تر است. در نگرش‌های جنسیتی میان پدران و پسران در همه موارد به جز یک پرسش تفاوت معنی داری وجود داشت. اختلاف نظر پسران با جنبه‌های نگرش جنسیتی مردسالار بیشتر از پدران بود. به عنوان مثال، ۸۱.۲ درصد از پسران کاملاً موافق بودند که دختران خانواده باید به اجتماع راه یابند، در حالی که پدران تنها ۷۱.۷ درصد کاملاً با این موضوع موافق بودند. با این حال، پدران و پسران فقط در یک مورد - اجازه بانوان برای رفتن به مسجد - تفاوت معنی داری نداشتند. ۶۰.۱ درصد از پسران و ۶۳ درصد از پدران با این سؤال موافق بودند.

جدول شماره ۴ و ۵ تجزیه و تحلیل ارتباط میان متغیرها و نگرش‌های جنسیتی در پدران و پسران را نسبت به امتیاز گرسنگی نشان می‌دهد. برای هر دو نسل، گرسنگی به طور قابل توجهی با نگرش‌های جنسیتی مردسالار در ارتباط معنی دار بود.

۷. بحث

این نمونه از ۱۷۵۲ دانش‌آموز کلاس ششم در مدارس ایران به همراه پدران آنها چندین تفاوت اساسی را میان نگرش جنسیتی آنها نسبت به خشونت علیه زنان نشان می‌دهد. علاوه بر این، یافته‌هایی در مورد ارتباط اعمال خشونت با گرسنگی و فقر و همچنین پدیده کودک همسری ارائه شده است. یافته‌های کلی نشان می‌دهد که پدران سطح بالاتری از نگرش جنسیتی مردسالار را در مقایسه با پسران گزارش می‌کنند.

ارتباط میان نگرش‌های مردسالارانه و رفتار خشونت‌آمیز در میان بزرگسالان در مطالعات پیشین نیز تأیید شده بود (Vernberg, ۱۹۹۹: ۳۹۵-۳۸۶). برخی تحقیقات نیز نشان می‌دهد که نگرش‌های مردسالارانه ممکن است به خشونت منجر شود، همانطور که در میان کودکان کلاس هشتم در آفریقای جنوبی نیز مشاهده شده است (Shamu, ۲۰۱۵). به علاوه،

ارتباط میان خشونت علیه زنان و مدل‌های ساختاری عدم امنیت غذایی نیز با تکیه بر برخی پژوهش‌ها پشتیبانی می‌شود. در عین حال، تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که مشاهده خشونت و تجربه آن در زندگی احساس همدلی نسبت به دیگران را کاهش داده، باعث می‌شود فرد از بزه‌دیدگی بسوی ارتکاب بزه حرکت کند (Swearer & Espelage, ۲۰۰۳ & Fonagy, ۱۹۹۸).

این روند تحول‌آفرین از بزه‌دیدگی تا ارتکاب بزه بر اثر جامعه‌پذیری در دوران کودکی ایجاد و در دوران نوجوانی نهادینه می‌شود. بنابراین، یکی از یافته‌های این پژوهش این بود که نابرابری جنسیتی به دلیل رواج سنت‌های فرهنگی اشتباه نهادینه شده در دوران کودکی بر اساس برتری مردان در ایران رایج و پذیرفته شده است و البته ساختار حقوقی کشور با اعمال قوانین نابرابر، این نابرابری جنسیتی را در ایران تقویت می‌کند. خشونت‌های کوچک در سطح کلامی تا بزرگ در سطح خشونت‌های فیزیکی و حتی قتل از هاله‌ای از قدرت کاذب نهادینه شده در مردان در دوران کودکی ناشی می‌شود که در آن، به وضوح، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی تقویت می‌شوند که می‌توانند فضایی را بازتولید کنند که در آن خشونت علیه دختران و زنان عادی و حتی تشویق شود و در این فضا است که قتل‌های ناموسی و ضرب و شتم‌های مختلف شکل می‌گیرد.

این بررسی نشان داد که این روند در افراد در نتیجه رقابت و جستجوی قدرت تشدید و تسریع می‌شود، زیرا پسرانی که نتوانند به استانداردهای مردانگی در خانواده، فامیل، مدرسه و در میان دوستان خود دست یابند، از سوی دیگران مورد آزار و تمسخر قرار می‌گیرند. همین موضوع باعث گرایش تدریجی پسران به سمت اعمال خشونت نسبت به دختران می‌شود.

به این ترتیب، سطح بالاتر عدم امنیت غذایی (یعنی گرسنگی که نشانگر فقر است) هم برای پدران و هم پسران با نگرش‌های جنسیتی مردسالارانه‌تری همراه است. تحقیقات در میان افراد بزرگسال پاکستانی و آفریقای جنوبی نیز ارتباط بین فقر و نگرش‌های جنسیتی مردسالارانه را تأیید می‌کند (Shamu, ۲۰۱۵, Zakar & ۲۰۱۳). در جوامع فقیرتر ممکن است نشانه‌ای از هنجارهای جنسیتی حاکم باشد که زنان خانواده را مسئول تهیه غذا بدانند. همچنین حمایت مردسالارانه از مشارکت محدود زنان در فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی، مورد تأیید بیش از یک سوم پسران و تقریباً یک چهارم پدران در مطالعه ما،

انعکاس‌دهنده هنجارهای حاکم بر خانه و خانواده و جامعه‌پذیری این هنجارها در دوران کودکی است.

متغیرهای اندازه‌گیری خشونت در خانه علیه مادر، درگیری پدر با سایر مردان، تنبیه بدنی کودکان بخصوص فرزندان دختر و سؤالات مربوط به کودک همسری، شاخص‌هایی از محیط اجتماعی است که کودک با توجه به روابط جنسیتی و میزان استفاده از خشونت در آن زندگی می‌کند. در کل، در مورد استفاده از خشونت بر اساس تمام شاخص‌های مورد بررسی، پدران خانه‌ها و ساختارهای ذهنی خشن‌تر و پدرسالارانه‌تری را در مقایسه با پسران گزارش می‌دهند. تجزیه و تحلیل دو متغیره نشان می‌دهد که این متغیرها با نگرش‌های مردسالارانه در ارتباط هستند و بنابراین، میان شاخص‌های روابط جنسیتی در خانه و استفاده از خشونت و کودکانی که نگرش مردسالارانه دارند، ارتباط زیادی وجود دارد و تنبیه فیزیکی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های پدرسالاری در محیط ایران است.

۸. محدودیت‌ها

روش تحقیق ما دارای محدودیت‌هایی بود که ممکن است برخی نگرش جوانان نسبت به هنجارهای جنسیتی و مشارکت زنان، بزه‌دیدگی زنان، برخی ویژگی‌های زندگی خانوادگی و برخی موارد قربانی شدن زنان را از دست بدهد. بویژه در دوره گزارش چهار هفته‌ای، نیز محدودیت‌هایی به تحقیق تحمیل می‌شود. کودکان ممکن است زمان و نوع خشونت را که تجربه یا اعمال کرده‌اند به طور دقیق به یاد نیاورند (یعنی اینکه آیا این مواجهه در چهار هفته گذشته رخ داده است یا نه). سرانجام، شرکت‌کنندگان ما محدود به کلاس ششم هستند. با وجود این محدودیت‌ها، محققان احساس می‌کنند این مطالعه چارچوبی برای مقایسه و بررسی نگرش پسران و پدران نسبت به هنجارهای جنسیتی در چارچوب خشونت علیه زنان بر اساس هنجارها و جامعه‌پذیری دوران کودکی در جامعه ایران فراهم می‌کند.

۹. نتیجه گیری

این مطالعه نخستین پژوهش در مورد مقایسه نگرش‌های جنسیتی دو نسل پیاپی در ایران است و از بررسی ادبیات به نظر می‌رسد که نخستین پژوهش در بررسی تأثیر عواملی مانند گرسنگی، مشاهده در خشونت در دوران کودکی و نوجوانی، تنبیه بدنی در خانه و سن ازدواج به عنوان عوامل مرتبط است. این پژوهش نشان می‌دهد نگرش نوجوانان در حمایت از عقاید، تعصبات و هنجارهای سنتی - اجتماعی و نگرش‌های جنسیتی مردسالار که عموماً تحت تأثیر رفتار خانواده و جامعه‌پذیری دوران کودکی قرار دارد نسبت به پدران خود تغییر کرده است و نوجوانان تمایل بیشتری به برابری جنسیتی، حذف کلیشه‌های جنسیتی کژکارکرد و تجربه صلح پایدار در سبک جدید زندگی خود دارند. این پژوهش نتیجه می‌گیرد برخی سنت‌ها، هنجارها و کلیشه‌ها باید تاریخ انقضا داشته باشند و DNA فرهنگی، درست به مثابه DNA افراد، با هر نسل تغییر کند.

این یافته‌ها مهم هستند، زیرا این احتمال را تقویت می‌کنند که می‌توان با یک مداخله هدفمند و با هدف قرار دادن کودکان در سن مدرسه بر نگرش‌ها و هنجارهای جنسیتی مردسالار نسل آینده و در نتیجه حذف برخی خشونت‌ها بخصوص خشونت‌های شدید ناموسی تأثیر گذارد. نگرش‌های جنسیتی از آنجا که هنجارهای جنسیتی را تشکیل می‌دهند از اهمیت برخوردار است و تحقیقات نشان داده است زنانی که در مناطقی با تعدد هنجارهای جنسیتی نابرابر زندگی می‌کنند با احتمال بیشتری قربانی خشونت می‌شوند (Kotsadam & Heise, ۲۰۱۵) از این رو، به نظر می‌رسد تدوین و اجرای استراتژی‌های جامع و مؤثر برای جامعه‌پذیری در سطح نوجوانان به منظور جلوگیری از بروز خشونت علیه زنان و دختران ضرورت دارد.

نابرابری جنسیتی، از طریق هنجارهای جنسیتی که در کودکی ایجاد و در نوجوانی نهادینه می‌شود، باعث خشونت علیه زنان و دختران است. فقر در ایجاد و تشدید این نگرش‌های جنسیتی مردسالارانه تأثیرگذار است. در این پژوهش احتمال رابطه دوطرفه میان نگرش‌های جنسیتی مردسالار و خشونت تایید می‌شود؛ به این معنی که نگرش‌های جنسیتی مردسالار بر اعمال خشونت از سوی افراد تأثیرگذار است و همچنین درگیری در خشونت و مشاهده خشونت به طور مستقیم بر نگرش‌های جنسیتی مردسالار تأثیر دارد.

به نظر می‌رسد به لطف کار خستگی‌ناپذیر رسانه‌های مجازی، جامعه مدنی، فعالان، مدیران سیاسی و استراتژیست‌های حوزه زنان و به شکرانه حضور مردان و پسرانی که نقض حقوق انسانی زنان و دختران را محترم نمی‌شمارند، چرخه خشونت علیه زنان در حال شکستن است و ما می‌توانیم امیدوار باشیم با اصلاح برخی قوانین دختران ما در فضا و عرصه‌ای بهتر و عادلانه‌تر تنفس کنند.

این خشونت‌ها، اما، در صورت عدم رسیدگی، پیامدهای جدی برای نسل‌های فعلی و آینده و دستیابی به اهداف توسعه به همراه خواهد داشت. خشونت علیه زنان و دختران مظهر نابرابری جنسیتی و تبعیض سیستماتیک است و در حالی که فرهنگ با استفاده از اعتقادات، شیوه‌ها، هنجارها و کلیشه‌های سنتی جنسیتی تلاش می‌کند نابرابری و خشونت جنسیتی را توجیه‌پذیر و عادی جلوه دهد، پسران نوجوان ما باید بیاموزند که خشونت علیه زنان و دختران صحیح و قابل قبول نیست. بنابراین، از آنجا که هنجارهای جنسیتی در دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرند، آموزش و جامعه‌پذیری مطلوب در خانه و خانواده می‌تواند با حذف و ریشه‌کنی هنجارها و نگرش‌های نامطلوب جنسیتی پیش از نهادینه شدن آنها در ساختار ذهنی و رفتاری کودکان به جلوگیری از اعمال خشونت آنها علیه زنان در سال‌های بزرگسالی کمک کند.

کتاب‌نامه

آزاده، منصوره اعظم و دهقان‌فرد، راضیه (۱۳۸۵)، رابطه بین جامعه‌پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان و رابطه خانوادگی با خشونت علیه زنان در تهران، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، تابستان، دوره ۴، صص. ۱۷۹-۱۵۹.

اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، خشونت خانوادگی «زنان کتک‌خورده»، سالی، تهران.

----- (۱۳۸۳)، ساختار جامعه و خشونت علیه زنان، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه

اجتماعی، پاییز، شماره ۱، صص ۹۶-۵۹.

Alio A.P., Clayton H.B., Garba M., et al. (2011). Spousal concordance in attitudes toward violence and reported physical abuse in African couples. *Interpers Violence*. 26:2790-2810.

Barker G., Loewenstein I. (1997). Where the boys are: attitudes related to masculinity, fatherhood, and violence toward women among low-income adolescent and young adult males in Rio de Janeiro, Brazil. *Youth Soc*. 29:166-196.

- Butchart A, Hillis S, Burton A. (2016). INSPIRE: seven strategies for ending violence against children. Geneva: World Health Organization.
- Crespi I. (2003). Gender socialization within the family: A study on adolescents and their parents in Great Britain: Catholic University of Milan. Available from: <http://www.iser.essex.ac.uk/bhps/2003/docs/pdf/papers/crespi.pdf>
- Engel B., Keen, A. (1994). A simple approach for the analysis of generalize a linear mixed models. *Stat Neerl.* 48:1–22.
- Espelage D.L., Swearer S.M. (2003). Research on school bullying and victimization: what have we learned and where do we go from here? *School Psych Rev.* 32:365–384.
- Fonagy P., Target M., Steele H., et al. (1998). Reflective-functioning manual, version 5.0, for application to adult attachment interviews. London: University College London.
- Heise L., Kotsadam A. (2015). Cross-national and multilevel correlates of partner violence: an analysis of data from population-based surveys. *Lancet Glob Health.* 3: e332–e340.
- Hopkins PE. (2006). Youthful Muslim masculinities: gender and generational relations. *Trans Inst Br Geogr.* 31:337–352.
- Kågesten A, Gibbs S, Blum RW, et al. (2016). Understanding factors that shape gender attitudes in early adolescence globally: a mixed-methods systematic review. *PLoS One;* 11:e0157805.
- Rappaport N., Thomas C. (2004). Recent research findings on aggressive and violent behavior in youth: implications for clinical assessment and intervention. *Adolesc. Health.* 35:260–277.
- RTP. (2015). What Works to prevent violence? A global program to prevent violence against women and girls. A Summary of the Evidence and Research Agenda, from www.whatworks.co.za.
- Shamu S., Gevers A., Mahlangu B.P., et al. (2015). Prevalence and risk factors for intimate partner violence among Grade 8 learners in urban South Africa: baseline analysis from the Skhokho Supporting Success cluster randomized controlled trial. *Int. Health.* ihv068.
- Ulloa E.C., Jaycox L.H., Marshall G.N., et al. (2004). Acculturation, gender stereotypes, and attitudes about dating violence among Latino youth. *Violence Vict.* 19:273–287.
- UNESCO. (2016). Global guidance on addressing school-related gender-based violence. Paris: UNESCO and UN Women.
- Unicef. (2014). Ending violence against children: six strategies for action. New York: UNICEF.
- USAID. (2007). New insights on preventing child marriage: a global analysis of factors and programs.
- Vernberg E.M., Jacobs A.K., Hershberger S.L. (1999). Peer victimization and attitudes about violence during early adolescence. *Child Psychol.* 28:386–395.

- Vittinghoff E., Glidden D. V., Shiboski S. C., et al. (2005). Regression methods in biostatistics (Chapter 5). In: Gentleman R, Carey V, Huber W, et al., editors. Springer Statistics for Biology and Health. Springer New York.
- WHO. (2009). Women and health: today's evidence tomorrow's agenda. Geneva: World Health Organization.
- Zakar R., Zakar M.Z., Kraemer A. (2013). Men's beliefs and attitudes toward intimate partner violence against women in Pakistan. Violence Against Women. 19:246-268.

